

مناجاتهای پانزده گانه امام سجاد علیه السلام





مناجات خمسه عشر

یکی از گنج های صحیفه سجادیه و مفاتیح الجنان همین مناجات خمسه عشر است که در انسان سازی نقش مهمی دارد. درباره بعضی از علما نقل شده که این مناجات را در قنوت نماز وتر از حفظ می خواندند. اگر انسان با معنی بخواند و مرتب هر شب یا چند شب یکبار آن را بخواند معنویاتش اوج می گیرد. و اشکش سرازیر می گردد و دلش هوای محبوب یعنی خدای مهربان را می کند. امید است همه خوانندگان محترم از این مناجاتها بهره کافی و وافیه ببرند.

مناجات خمس عشره [یعنی مناجات های پانزده گانه] از مولای ما علی بن الحسین (علیه السلام) است، علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب «بحار الانوار» فرموده است: من این مناجات را به روایت از آن حضرت در کتاب های بعضی از علما (رضوان الله علیهم) یافتیم.

المناجاة الاولى: مناجاة التائبين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِه نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلٰهِي الْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلَّلْنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكَنَتِي، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ
جَنَائَتِي، فَأَخِيهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُغْيَتِي، وَيَا سُؤْلِي وَمُنِيَّتِي، فَوَعِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ
غَافِرًا، وَلَا أَرَىٰ لِكُسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ بِالْأَسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ، فَإِنْ
طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلَتِي
وَأَفْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي. خدایا! گناهان بر من لباس خواری پوشانده و
دوری از تو جامه درماندگی بر تنم پیچیده و بزرگی جنایتم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به
درگاہت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و خواسته ام و امیدم، به عزتت سوگند برای گناهانم
آمرزنده ای جز تو نمی یابم و برای دل شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم، به پیشگاهت با
توبه و انابه فروتنی نمودم و با ذلت و خواری، به درگاہت تسلیم شدم، اگر مرا از درگاہت برانی
به که روی آورم؟ و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه برم؟ در این حال افسوس از شرمندگی و
رسوایی ام و دریغ از زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم، أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ

الْعَظَمِ الْكَسِيرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتَرْ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَلَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ
 الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَقُوكَ وَغَفْرِكَ، وَلَا تُغْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ. ای آمرزنده گناهان
 بزرگ و ای جبران کننده استخوان شکسته، از تو درخواست می کنم که گناهان تباه کننده ام را بر
 من ببخشایی و بر من پوشانی پنهان کاری های رسوا کننده ام را و مرا در عرصه قیامت از نسیم
 گذشت و آمرزشت بی بهره مگذاری و از پوشش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها
 نسازی، إلهی ظَلَلْ عَلَى ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ؛ خدایا
 سایه رحمت را بر گناهانم بینداز و ابر مهربانی ات را به سوی عیب هایم گسیل کن؛ إلهی هَلْ
 يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْآبِقُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ؟ أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ؟ إلهی إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى
 الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ، وَإِنْ كَانَ الْاسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ
 الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى. خدایا! آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز
 می گردد؟ یا کسی به او از خشم مولایش، جز مولایش پناه می دهد؟ خدایا اگر پشیمانی از گناه
 توبه است، پس به عزت سوگند که من از پشیمانانم و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب
 فرو ریختن خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا راضی
 شوی، إلهی بِقُدْرَتِكَ عَلَى تَبِّ عَلَيَّ، وَبِحِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِي اَرْفُقْ بِي. إلهی
 أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ سَمِيئَةَ التَّوْبَةِ، فَقُلْتُ: (تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً)؛
 فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ؟ إلهی إِنْ كَانَ قَبْحُ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ
 مِنْ عِنْدِكَ. خدایا با قدرتت بر من، توبه ام را بپذیر و با بردباری ات نسبت به من، از من در گذر و با
 آگاهی ات از حال من، با من مدارا فرما، خدایا تویی که به روی بندگانت دری به سوی بخششت
 گشودی و آن را توبه نامیدی و خود فرمودی: «باز گردید به جانب خدا، باز گشتی خالصانه»؛ پس
 عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند باشد؟ خدایا اگر
 نافرمانی و گناه از بنده ات زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست، إلهی مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ
 عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ، يَا عَظِيمَ
 الْبِرِّ، يَا عَلِيماً بِمَا فِي السِّرِّ، يَا جَمِيلَ السِّتْرِ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ
 وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي، بِمَنِّكَ

وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا نخستین کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف کننده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نهان، ای زیبا پرده پوش، به جود و کرمیت به سوی تو شفاعت می جویم و توسل می کنم نزد تو، به فضل و رحمت دعایم را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز و توبه ام را بپذیر و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان ترین مهربانان.

المناجات الثانية: مناجاة الشاكين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلٰهِهِ إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنَّ مَسَهَا الشَّرُّ تَجَزَعُ، وَإِنْ مَسَهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ. خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان می دهد به تو شکایت می کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آزمند به انجام گناهان و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می کشاند و هستی ام را نزد تو از پست ترین تباه شدگان قرار می دهد، بیماری هایش بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزندی به او در رسد بی تابی می کند و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تندی به جانب گناه می راند و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می کند،
أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي، وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ لِيَ الْهَوَى، وَيَزِينُ لِيَ حُبَّ الدُّنْيَا، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى؛ خدایا از دشمنی که گمراهم می کند و از شیطانی که به بی راهه ام می برد به تو شکایت می کنم، شیطانی که سینه ام را از وسوسه انباشته و زمزمه های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می کند و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می بخشد و بین من و بندگی و مقام قرب پرده

می‌افکند؛ اِلٰهِيْ اِلَيْكَ اَشْكُوْ قَلْبًا قَاسِيًا مَّعَ الْوَسْوَاسِ الْمُتَقَلِّبِ، وَبِالرَّيْنِ وَالطَّنْعِ مُتَلَبِّسًا، وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَ اِلٰی مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً. خدایا از دل همچون سنگی که با وسوسه زیرو و رو می‌شود و به آلودگی گناه و سیاهی نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می‌کنم، خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده و در عوض به منظری که خوش آیند آن است خیره گشته به تو گلایه می‌کنم، اِلٰهِيْ لَا حَوْلَ لِيْ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِيْ مِنْ مَّكَارِهِ الدُّنْيَا اِلَّا بِعِصْمَتِكَ، فَاسْأَلْكَ بِبِلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَتَفَاذِ مَشِيَّتِكَ، اَنْ لَا تَجْعَلَنِيْ لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا، وَلَا تُصَيِّرْنِيْ لِلْفِتَنِ غَرَضًا، وَكُنْ لِيْ عَلٰی الْاَعْدَاءِ نَاصِرًا، وَعَلٰی الْمَخَازِيْ وَالْعُيُوبِ سَاتِرًا، وَمِنْ الْبَلَاءِ وَاَقِيَا، وَعَنْ الْمَعَاصِيْ عَاصِمًا، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست، راه نجاتی از گرفتاری‌های دنیا جز نگهداری تو برایم نمی‌باشد، از تو خواستارم به رسایی حکمت و نفوذ اراده‌ات که مرا جز جودت در معرض چیزی قرار ندهی و هدف فتنه‌ها نگردانی و علیه دشمنانم یاور باشی و پرده‌پوش رسوایی‌ها و عیوبم گردی و از بلا نگهدار و از گناهان بازدارنده‌ام باشی، به مهر و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثالثة: مناجاة الخائفين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلٰهِي أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي ؟ أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبَعِّدُنِي ؟ أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ
وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي ؟ أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسْلِمُنِي ؟ حَاشَا لَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي . خدایا
آیا چنین می نمایی که پس از ایمانم به تو، عذابم نمایی؟ یا پس از عشقم به تو، از خود دورم
سازی؟ یا با امید به رحمت و چشم پوشی ات محرومم سازی؟ یا با پناه جویی ام به گذشتت رهایم
نمایی؟ هرگز چنین نیست! از ذات بزرگوارت به دور است که محرومم کنی، لَيْتَ شِعْرِي أَلِلْشَّاءِ
وَلَدَتْنِي أُمِّي ؟ أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي ؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي، وَلَمْ تُرَبِّنِي، وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي،
وَبِقُرْبِكَ وَجَوَارِكَ خَصَصْتَنِي، فَتَقَرَّرَ بَذِلِكَ عَيْنِي، وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي . ای کاش می دانستم که آیا
مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است؟ اگر چنین
است کاش مرا نزاده و نپرورانده بود و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و
به قرب و جوارت اختصاص داده ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟ إِلٰهِي هَلْ
تُسَوِّدُ وَجُوهًا خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ ؟ أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالشَّاءِ عَلَىٰ مَجْدِكَ وَجَلَالَتِكَ ؟
أَوْ تَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَىٰ مَحَبَّتِكَ ؟ أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي
إِرَادَتِكَ؛ خدایا آیا چهره هایی که در برابر عظمت سجده کنان به خاک افتاده سیاه می کنی؟ یا

زبان‌هایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می‌نمایی؟ یا بر دل‌هایی که به محبت پیچیده شده مُهر می‌زنی؟ یا گوش‌هایی را که از شنیدن ذکر در راه رضایت لذت برده؟ ناشنوا می‌کنی؟ **أَوْ تَعْلَىٰ أَكْفَأَ رَفَعَتْهَا أَلَمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءَ رَأْفَتِكَ؟ أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّىٰ نَجَلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ؟ أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ؟ إِيَّاكَ لَا تُغْلِقُ عَلَىٰ مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْجُبُ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَىٰ جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ.** یا دست‌هایی را که آرزوهای به امید مهرورزی‌ات، به سویت بلند کرده به زنجیر می‌بندی؟ یا بدن‌هایی را که در طاعت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی‌ات لاغر شده، مجازات می‌کنی؟ یا پاهایی را که در راه عبادت پوییده، به عذاب دچار می‌نمایی؟ خدایا درهای رحمت را بر یکتاپرستان مبند و شیفتگان را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، **إِيَّاكَ لَا تُغْلِقُ عَلَىٰ نَفْسٍ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تَذِلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ؟ وَضَمِيرٌ أَنْعَقَدَ عَلَىٰ مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ؟ إِيَّاكَ لَا تُغْلِقُ عَلَىٰ أَجْرَنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ، يَا عَفَّارُ يَا سَتَّارُ، نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَفُضِيحَةِ الْعَارِ، إِذَا امْتَارَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ، وَحَالَاتِ الْأَحْوَالِ وَهَالَاتِ الْأَهْوَالِ، وَقُرْبِ الْمُحْسِنُونَ وَبَعْدِ الْمُسِيئُونَ، ﴿وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾.** خدایا جانی را که به توحید عزت بخشیدی، چگونه به خواری هجران ذلیل می‌کنی و باطنی که بر دوستی‌ات پیمان بسته، چگونه به سوز آتش می‌سوزانی؟ خدایا، از دردناکی خشم و بزرگی ناخشنودی‌ات پناهم ده، ای پرمهر، ای منت‌گذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبار، ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده‌پوش، به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ، رهایی بخش، آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند و حالت‌ها دگرگون گردد و هراسنده‌ها بهراسند و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند و بدکاران از آن دور گردند و به هر کسی برابر آنچه انجام داده، جزای برازنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود.

المناجات الرابعة: مناجاة الراجين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنَاهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ
بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ. ای آن که هرگاه بنده ای از او
بخواهد عطایش کند و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند، به آرزویش برساند و زمانی که
به او روی آورد، مقرب و نزدیکش کند و گاهی که تظاهر به گناه کند، گناهِش را پرده پوشی
نماید و آنگاه که بر او توکل نماید، او را بس باشد و کفایت کند، إلهی مِنَ الَّذِي نَزَلَ بِكَ
مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ؟ وَمَنِ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ؟ أَيْحَسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ
بَابِكَ بِالْخِيَةِ مَصْرُوفًا، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا؟ كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ
كُلُّهُ بِيَدِكَ؟ وَكَيْفَ أَوْمِلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ؟! أَأَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ
أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ؟ أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ؟ خدای من، کیست که بر آستان
وارد شده و خواهان مهمان پذیری ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی و کیست که مرکب
حاجت را با امید به سخاوت به درگاهت خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی؟ آیا خوشایند
است که از درگاهت با محرومیت بازگردم، درحالی که جز تو سروری که به احسان متصف باشد
نشناسم؟ چگونه به غیر تو امید بندم درحالی که هر خوبی به دست توست و چگونه جز تو را آرزو

کنم درحالی که آفرینش و فرمان خاص تو است؟ آیا امیدم را از تو بپریم درحالی که از روی احسان آنچه از تو نخواستیم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاجم می کنی درحالی که به رشته محکمت چنگ می زنی؟ یا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشَقَّ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ؛ كَيْفَ أَنْسَاكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي؟! وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي؟! ای آن که قصد کنندگان به رحمتش خوشبخت شدند و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند؛ چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده ای و چگونه از تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی، إِيَّاكَ هِيَ بِذَلِيلِ كَرَمِكَ أَغْلَقْتُ يَدِي، وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمْلِي، فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ، خدای من دستم را به دامن کرمت آویختم و برای رسیدن به عطایت سفره آرزویم را گستردم، مرا به خلوص توحیدت خالص کن و از بندگان برگزیده ات قرار ده، يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي، وَكُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ آمِلُهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ أَلْقَيْنَ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَتَجْلُو بِهِ عَنْ بَصِيرَتِي غَشَاةَ الْعَمَى، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ای آن که هر گریزانی به او پناه می جوید و هر جوینده ای به او امید می بندد، ای بهترین امیدبخش، ای کریم ترین خواننده، ای آن که پرستنده اش برگردانده نشود و آرزومندش محروم نگردد، ای آن که در رحمتش به روی خوانندگان باز است و پرده درگاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می خواهیم به بزرگواری ات که ببخشی از عطای خود بر من آن چنان که دیده ام به آن روشن شود و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه ای که نهادم آرامش یابد و از یقین آن چنان بر من منت نهی که با آن ناگواری های دنیا را برایم آسان نمایی و با آن از دیدگان دلم پرده های ناپینایی را برگیری، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

وَأُطْفِئِكَ، فَأَرْؤُ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ إِلَى رِعَايَتِكَ. از تو می‌خواهم به درخشش‌های جلوه‌ات و به انوار قدست و هم به‌سویت زاری می‌کنم به عواطف مهرت و لطایف احسانت که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرب به تو و نزدیکی به بارگاہت و بهره‌مندی از نگاه به‌سویت، هم اینک متعرض نسیم‌های رحمت و توجه تو و خواهان باران جود و لطف بی‌پایان تو می‌باشم و از خشم به‌سوی خشنودیات گریزان و از تو به‌سوی خودت فراری‌ام، نیکوترین چیزی را که نزد توست امید دارم، بر بخشش‌هایت اعتماد می‌نمایم، به عنایت نیازمندم، إلهی مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمُهُ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْهُ، وَمَا سَرَرْتَهُ عَلَى بَحْلِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحٍ فَعَلِي فَاغْفِرْهُ؛ خدایا آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان و آنچه را از کرمت به من دادی از من مگیر و آنچه را با بردباریات بر من پوشاندی آشکار مکن و آنچه را از زشتی کردارم دانستی بیامرز؛ إلهی اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ، أَتَيْتُكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَابِلَ طَوْلِكَ، مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قاصِداً جَنَابَكَ، وَارِداً شَرِيعَةَ رِفْدِكَ، مُلْتَمِساً سِنَى الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَافِداً إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِداً وَجْهَكَ، طَارِقاً بِابِكَ، مُسْتَكِيناً لِعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا! از تو به تو شفاعت می‌جویم و از تو به تو پناهنده می‌شوم، با امید بسیار به احسانت به‌سوی تو آمدم، به خوبی‌هایت که بر من منت گذاری دل‌بسته‌ام، به فراوانی کرمت تشنه‌ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودیات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایات وارد آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواشمندم، به جانب حضرت جمالت روانم، ذاتت را اراده دارم، کوبنده در رحمت هستم، درمانده‌ام در برابر شکوه و جلالت، با من از آمرزش و رحمت آن‌گونه کن که شایسته آنی و نه آن‌گونه که سزاوار عذاب و انتقامم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة السادسة: مناجاة الشاكرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلٰهُهُیْ أَذْهَلَنِیْ عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلُكَ، وَأَعْجَزَنِیْ عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ،
وَشَغَلَنِیْ عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ، وَأَغْيَانِیْ عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِیْ أَيْادِيكَ، وَهَذَا
مَقَامٌ مِّنْ اعْتِرَافٍ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابِلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ، وَأَنَّ
الرَّؤُوفَ الرَّحِيمَ الْبَرَّ الْكَرِيمَ، الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ آمِلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ
الرَّاجِينَ، وَبِعَرَصَتِكَ تَقِفُ آمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ آمَالَنَا بِاللَّتَّخِيْبِ وَالْإِيَّاسِ، وَلَا تُلْبِسُنَا سِرْبَالَ
الْقُنُوطِ وَالْإِلْبَاسِ؛ خَدَايَا، پیاپی آمدن کرم، برپاداشتن سپاست را از یاد من برد و فراوانی
بخششت، مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت و در پی هم آمدن احسانت، مرا از یاد اوصاف
نیکت بازداشت و پشت هم رسیدن نعمت‌های مرا از گسترش خوبی‌هایت درمانده نمود، این
است جایگاه آن که به برازندگی نعمت‌های تو در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد و به زیان
خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمت‌ها گواهی می‌دهد و تویی دلجو، مهربان، نیکوکار،
کریم که خواهنده‌اش را محروم نمی‌کند و آرزومندش را از درگاهش نمی‌راند، به آستانت فرود
می‌آید، بار امیدواران و در درگاه رحمت تو می‌ایستد، آرزوهای عطاخواهان، پس آرزوهایمان را

با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز و جامه ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما پوشان؛ **إِلٰهِي**
تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِكَ شُكْرِي، وَتَضَاعَلْ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَتَشْرِي، جَلَّلْتَنِي نِعْمَتِكَ
مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا، وَضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرِّكَ مِنْ الْعِزِّ كِلَلًا، وَقَلَّدْتَنِي مِنْنِكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ،
وَطَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُفَلُّ، فَالَاؤُكَ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا، وَنَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ
إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا؛ فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ؟ فَكُلَّمَا
قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لَدُوكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ. خدایا در برابر بزرگی نعمت‌هایت،

سپاسم کوچک می‌نماید و در کنار اکرامت بر من، ستایش و گزارشم از آن خود را پست و ناچیز
نشان می‌دهد، نعمت‌هایت از انوار ایمان، زینت‌هایی به من پوشاند و لطایف نیکی‌ات خیمه‌هایی از
عزت بالای سرم افراشت و عطا‌های گردنبند‌های زینده‌ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود و
طوق‌هایی بر من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطا‌های انبوهت زبانم را از شمردنش
ناتوان ساخته و نعمت‌های فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده تا چه رسد به بررسی کامل

آن‌ها؛ سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است در حالی که سپاسم نسبت به تو خود
نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن
باز بگویم تو را سپاس، **إِلٰهِي فَكَمَا غَذَيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ،**
وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ، وَآتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا عَاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
حُسْنِ بَلَائِكَ، وَسُبُوحِ نِعْمَائِكَ، حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَتَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا
كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدا همان گونه که ما را به لطف طعام دادی و با احسانت

پروریدی، پس نعمت‌های سرشارت را بر ما به انجام رسان و ناگواری‌های ناخوشایند را از ما دور
کن و از بهره‌های هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن، تو را
سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمت‌های سرشارت، سپاسی که درخور خشنودی‌ات باشد و خیر
وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة السابعة: مناجاة المطيعين لله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِه نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
اللَّهُمَّ اَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ، وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ اِثْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَحْلِلْنَا
بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ، وَافْشَعْ عَنْ بَصَائِرِنَا سَحَابَ الْارْتِيَابِ، وَاكْشِفْ عَنْ قُلُوبِنَا اُغْشِيَةَ الْمَرِيَةِ وَالْحِجَابِ،
وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا، وَاثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ، وَمُكَدَّرَةٌ
لِصَفْوِ الْمَنَاحِ وَالْمَنَنِ. خدایا، فرمانبری ات را به ما الهام فرما و ما را از نافرمانیت دور کن و راه
رسیدن به آنچه از خشنودی ات آرزو مندیم آسان کن و ما را در میان بهشت هایت جای ده و از
برابر دیدگان دل هایمان، ابرهای شک و دودلی را بزدای و از قلوبمان پرده های تردید و کوردلی
را کنار زن و از نهادمان باطل را زایل کن و حق را در درون ما استوار گردان، زیرا شک ها و
گمان ها، بارور کننده ی آشوب ها و تیره کننده ی عطاها و بخشش های زلال و

بی آلایش اند، اللَّهُمَّ اَحْمِلْنَا فِي سُفْنِ نَجَاتِكَ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ، وَأَوْرِدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ؛
وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ وَدِّكَ وَقُرْبِكَ، وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ، وَهَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ، وَأَخْلِصْ نِيَّتَنَا فِي مُعَامَلَتِكَ،
فَإِنَّا بِكَ وَلَكَ وَلَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ. خدایا ما را بر کشتی های نجات بنشان و از لذت راز و
نیازت بهره مند گردان و به حوض های دوستی ات وارد کن؛ و شیرینی محبت و مقام قربت را به ما

بچشان، کوششمان را در راحت و همتمان را در طاعت قرار ده و نیت‌هایمان را در معامله با خود خالص گردان، چرا که ما با تو و از تویم و برای ما وسیله‌ای جز به‌سوی تو نیست، **إِلٰهِي اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ الْأَتْبَارِ، السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ، الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**. خدایا، مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان که به بندگی پیشی گرفتند و به‌سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش کردند و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند، همانا تو بر هر چیز توانایی و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثامنة: مناجاة المريدین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ **سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطُّرُقَ عَلَى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ؟! منزّهی** تو، چه تنگ است راه‌ها بر کسی که تو راهنمایش نباشی و چه آشکار است حق، نزد کسی که راه را نشانش دادی، **إِلٰهِي فَاسْأَلْكَ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُقُودِ عَلَيْكَ، قَرَّبَ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهَّلَ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ، وَالْحَقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ، وَبَابَكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ، خدایا، ما را به راه‌های رسیدن به سرایت بکشان و ما را از نزدیک‌ترین راه‌های ورود به بارگاهت ببر، دور را بر ما نزدیک کن و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان و ما را به آن بندگان که با چالاکی به‌سویت می‌شتابند و همواره در رحمت را می‌کوبند، ملحق نما، و **إِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرِّغَابَ؛ وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ، وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَآرِبَ، وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ، فَبِكَ إِلَيَّ لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ****

حَصِّلُوا، آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند و از هیبت در هراسند، بندگان که
آبخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی؛ و آنان را بر
جوینده هایشان کامروا نمودی و از روی فضل حاجاتشان را برآوردی و نهادشان را از محبت
آکنده ساختی و از زلال چشمه ات سیرابشان نمودی، اینان به وسیله تو به لذت مناجات دست
یافتند و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فرا چنگ آوردند، فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ
مُقْبِلٌ، وَبِالْعَظْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْفٌ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَى ۱ بَابِهِ وَدَوْدٌ
عَطُوفٌ، ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش، روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور و
بخشنده است و به غفلت ورزان از یادش، دلسوز و مهربان است و برای جلب آنان به درگاهش با
محبت و عطف است، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا،
وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدِّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا، از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که
بهره بیشتری از تو دارند و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته اند و از دوستی ات سهم
برجسته تری به آنان رسیده و در معرفت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ
هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لَأَغْيَرُكَ مُرَادِي، وَلَكَ لَالِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي، وَ
لِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي، وَوَصْلُكَ مُنَى ۱ نَفْسِي؛ وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهِي، وَإِلَى ۱ هَوَاكَ
صَبَابَتِي، وَرِضَاكَ بُغْيَتِي، وَرَوْيُتِكَ حَاجَتِي، وَجِوَارُكَ طَلْبِي، وَقُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاتِكَ
رَوْحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءُ عِلَّتِي، وَشِفَاءُ غَلَّتِي، وَبَرْدُ لَوْعَتِي، وَكَشْفُ كُرْبَتِي، همانا همتم از
همه جا بریده و تنها متوجه تو گشته است و رغبتم به جانب تو منحصر شده است، پس تنها تو مراد
منی نه غیر تو و شب زنده داری و بی خوابی ام تنها برای توسست نه برای غیر تو و دیدارت نور
دیدگان من است و وصال آرزوی هستی ام؛ و تنها به سوی توسست اشتیاقم، تنها در مسیر عشق
توست شیفتگی ام و در هوای توسست دلدادگی ام و خشنودی ات مقصود من و دیدارت نیاز من و
جوارت مطلوب من و قربت نهایت خواسته من است، آسودگی و راحت در رازونیز با توسست،
داروی دردم و درمان بیماری سینه ام و خنکای آتش قلبم و برآمدن اندوهم تنها پیش توسست، فَكُنْ
أَنِيسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقْبِلَ عَثْرَتِي، وَغَافِرَ زَلَّتِي، وَقَابِلَ تَوْبَتِي، وَمُجِيبَ دَعْوَتِي، وَوَلِيَّ عِصْمَتِي،
وَمُغْنِي فَاقَتِي، وَلَا تَقْطَعْ عَنكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي، يَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ. پس در هنگام ترس همدم باش و لغزشم را نادیده گیر و گناهم را بیامرز، توبه‌ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی‌ام باش، مرا از خود جدا مکن و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة التاسعة: مناجاة المحبين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛
إِلٰهُمَّ مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا؟ وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنَسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغَىٰ
عَنْكَ حَوْلًا؟ خدایا کیست آن که شیرینی محبت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟ و
کیست آن که با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟ إِلٰهُمَّ فَاجْعَلْنَا مِنْ
اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لِدُوكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوَّقْتَهُ إِلَيْنَا لِقَائِكَ، وَرَضَّيْتَهُ بِقَضَائِكَ،
وَمَنْحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَيْنَا وَجْهِكَ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ، وَأَعَدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاكَ، وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصَّدَقِ
فِي جِوَارِكَ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّيْتَهُ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ؛
وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَعْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ، وَرَعَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ، وَأَوْرَعْتَهُ
شُكْرَكَ، وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ
شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ. خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب ولایت برگزیدی و برای دوستی
و محبت خالص نمودی و برای دیدارت مشتاق کردی و به قضایت راضی ساختی و نعمت نگاه به
جمالت را عطایش کردی و به خشنودی‌ات مخصوص گرداندی و از غم هجران و دوری‌ات پناه

دادی و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی و به شناخت خود اختصاص دادی و برای بندگی ات سزاوار کردی و به اراده‌ات دلباخته فرمودی و برای تماشای جمالت برگزیدی؛ و رویش را برای خود از غیر، پاک کردی و دلش را برای عشقت فارغ نمودی و آن را به‌سوی آنچه نزد توست راغب فرمودی و یادت را به او الهام کردی و شکرش را نصیبش نمودی و به طاعت مشغول ساختی و او را از بندگان شایسته‌ات گرداندی و برای راز و نیازت انتخاب کردی و جدا کردی از او هر چه که او را از تو جدا می‌کند، **اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الْارْتِيَا حُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهْرُهُمُ الزَّفَرَةُ وَاللَّانِينَ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَذُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ؛** خدایا ما را از کسانی قرار ده که شیوه‌هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است و پیشانی‌شان در پیشگاه عظمت بر سجده و دیدگان‌شان در خدمت بی‌خواب گشته است و اشکشان از خشیت تو روان و قلوبشان به عشقت آویخته و دل‌هایشان از هیبت از جا کنده است؛ **يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِلْأَبْصَارِ مُجِيبُهُ رَائِقَةٌ، وَسُبْحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبٍ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ، يَا مُنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُجِبِّينَ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَيْكَ قُرْبِكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِدًا إِلَيَّ رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنْ عِصْيَانِكَ، وَأَمْنُنْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَأَنْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحِطْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.** ای آن که انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه‌گر است و بزرگی‌های جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است، ای آرمان دل‌مشتاقان، ای نهایت آروزهای عاشقان، از تو درخواست می‌کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می‌رساند و اینکه خودت را نزد من محبوب‌تر از دیگران قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به‌سوی خرسندی‌ات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی‌ات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منت گذار و به من به دیده عشق و عاطفه بنگر و روی از من متاب و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره‌مندی قرار ده، ای اجابت‌کننده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة العاشرة: مناجاة المتوسّلين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلَهِیْ لَیْسَ لَیْ وَسِیلَهُ إِلَیْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لَیْ ذَرِیعَةُ إِلَیْكَ إِلَّا عَوَافِرُ رَحْمَتِكَ،
وَشَفَاعَةُ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْعَمَةِ، فَاجْعَلْهُمَا لَیْ سَبَبًا إِلَیَّ نِیلِ عُفْرَانِكَ، وَصِیْرُهُمَا
لَیْ وَصْلَةً إِلَیَّ الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِیْ بِحَرَمِ كَرَمِكَ، وَحَطَّ طَمَعِیْ بِفَنَاءِ جُودِكَ، فَحَقِّقْ
فِیكَ أَمَلِیْ، وَاخْتِمِ بِالْخَیْرِ عَمَلِیْ، وَاجْعَلْنِیْ مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَخْلَلَتْهُمْ بُحْبُوحَةُ جَنَّتِكَ، وَبَوَّاتَهُمْ
دَارَ كَرَامَتِكَ؛ وَأَقَرَّرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَیْكَ یَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِی جِوَارِكَ
خدایا، به پیشگاهت وسیله ای جز عواطف مهرت ندارم و به درگاهت دست آویزی جز از آنچه از
رحمت شناخته شده و جز شفاعت پیامبرت، پیامبر رحمت رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی
ندارم، خدایا! این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزش قرار ده و آن دو را رابطه ای برای
دست یابی به خشنودی ات بگردان، همانا امیدم به حریم کرمیت فرود آمده و مرکب طمعم به
آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره خودت آرزویم را محقق ساز و کارم را به خیر پایان
ده و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در میان بهشت قرارشان دادی و خانه کرامت را در
اختیارشان گذاردی؛ و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی و
جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی، يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ أَكْرَمِ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ

الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا أَعْظَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ، إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ
 مَدَدْتُ يَدِي، وَبِذَلِّ كَرَمِكَ أَغْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤَلِّنِي الْحِرْمَانَ، وَلَا تُبَلِّنِي بِالْخَيْبَةِ وَالْخُسْرَانِ، يَا سَمِيعَ
 الدُّعَاءِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ای آن که باریافتگان بر کریم تر از او بار نیابند و قصد کنندگان مهربان تر
 از او را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند و ای مهربان ترین کسی که انسان
 رانده به جانب او روی آورد، به سوی گستردگی عفو دست گدایی دراز کردم و به دامن کرم
 چنگ آویختم، مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای
 مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الحادية عشرة: مناجاة المفتقرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِه نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
 إِلَهِي كَسْرِي لَا يَجْبِرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ وَخَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي
 لَا يُسَكِّنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ، وَذِلَّتِي لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَأُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِي لَا يُسَدِّدُهَا إِلَّا
 طَوْلُكَ، وَحَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ، وَكَرْبِي لَا يُفَرِّجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ، وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ
 رَأْفَتِكَ، خدایا، شکستگی ام را جز لطف و محبت جبران نکند و تهیدستی ام را بی نیازی نرساند جز
 مهر و احسانت و هراسم را جز امان تو آرام نماید و خواری ام را جز توانایی ات به عزت تبدیل
 نکند و مرا جز فضل به آرزویم نرساند و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند و حاجتم را کسی
 جز تو بر نیاورد و غم زدگی ام را جز رحمت برطرف نماید و بدحالی ام را جز مهرت
 نگشاید و غلَّتِي لَا يُبْرِدُّهَا إِلَّا وَضْلُكَ، وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يُبْلِغُنِي إِلَّا النَّظَرُ إِلَيْ
 وَجْهِكَ، وَقَرَارِي لَا يَقَرُّ دُونَ دُنُوِّي مِنْكَ؛ وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ، وَسَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ،
 وَغَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ، وَجُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنَ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَوَسْوَاسُ
 صَدْرِي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا أَمْرُكَ. و سوز سینه ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز

دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود؛ و حسرتم را جز نسیم رحمتت برنگرداند و بیماری ام را جز درمانت شفا ندهد و غمم را جز مقام قربت برطرف نسازد و زخمم را جز چشم پوشی ات التیام ندهد و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزداید و وسواس سینه ام را جز فرمانت از میان نبرد، ای نهایت آرزوی آرزومندان، **يَا مُنْتَهَى الْأَمَلِ الْآمِلِينَ، وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، وَيَا أَقْصَىٰ طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَيَا أَعْلَىٰ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ، وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا دُخْرَ الْمُعْدِمِينَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ؛ وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،** ای غایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب جویندگان، ای والاترین رغبت راغبان، ای سرپرست شایستگان، ای امان ترسیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره ناداران، ای گنج بینوایان، ای فریادرس دادخواهان؛ ای برآورنده حاجات تهیدستان و بر خاک نشستگان، ای کریم ترین کریمان، ای مهربان ترین مهربانان، **لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُنِيلَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدِيمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ، وَهَذَا أَنَا بِيَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَلِنَفَحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَىٰ مُتَمَسِّكٌ.** فروتنی و خواهمش به پیشگاه توست و زاری و ناله ام به سوی تو، از تو می خواهم مرا به نسیم خرسندی ات برسانی و نعمت های نیکویت را بر من تداوم بخشی، من اینک بر در خانه کرمت ایستاده ام و در معرض نسیم های نیکوی ات قرار دارم و به رشته محکمت چنگ زده ام و به دست آویز استوارت دست آویختم، **إِلٰهِی اَرْحَمَ عَبْدَكَ الدَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ، وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ، وَامْنُنْ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ، وَاکْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ، يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.** خدایا بر بنده خوارت که زبانش گنگ و عملش اندک است رحم کن و با احسان پیوسته و برجسته ات بر او منت گذار و او را زیر سایه بلندت حمایت فرما، ای گرامی، ای زیبا، ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الثانية عشرة: مناجاة العارفين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلَهِهِ قَصُرَتْ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيقُ بِجَلَالِكَ، وَعَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ
جَمَالِكَ، وَأَنْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى ۚ سُبْحَاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى ۚ
مَعْرِفَتِكَ، إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ. خدایا، زبان ها از ادای ثنایت آن چنان که شایسته عظمت توست
کوتاه است و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است و دیده ها از تماشای بزرگی های ذات
درمانده است، برای خلق راهی به سوی شناسایی ات جز ناتوانی از شناختت قرار ندادی، إلهی
فَجَعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشَّوْقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعُهُ مَحَبَّتِكَ
بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهُمْ إِلَى ۚ أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَأْوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ، وَمِنْ
حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ؛ خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به
سویت در بوستان های سینه هایشان استوار و پابرجا شده است و سوز عشقت در کانون دل هایشان
برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه های والا جای گیرند و در گلستان قرب و مکاشفاته
می گردند و از حوض های محبتت با جام ملاطفت می نوشند؛ وَشَرَائِعِ الْمُصَافَاةِ يَرِدُونَ، قَدْ كُشِفَ
الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَأَنْجَلَتْ ظُلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَضَمَائِرِهِمْ، وَأَنْتَفَتْ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ
قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَأَنْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هِمَمُهُمْ،
وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شَرِبُهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ، وَأَمِنْ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرُّهُمْ،

وَاطْمَأْنَنْتَ بِالرُّجُوعِ إِلَىٰ رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ؛ و در کنار نهرهای صفا وارد می‌شوند، در حالی که پرده از دید گانشان برداشته شده و تاریکی دودلی از باورها و ضمائرشان زدوده گشته و خلجان شک از دل‌ها و باطنشان بیرون رفته و سینه‌هایشان با تحقق معرفت، گشوده شده و همتشان برای پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر زهد، بلندی گرفته و نوشیدنشان در چشمه زلال کردار، گوارا شده و باطنشان در مجلس انس، پاکیزه گشته و راهشان در جای ترسناک، ایمنی یافته و جانشان با رجوع به رب الارباب، اطمینان یافته؛ وَتَيَقَّنْتَ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَىٰ مَحَبُّوهُمْ أَعْيُنُهُمْ، وَاسْتَقَرَّ بِإِذْرَاكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ. و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری، یقین یافته و دید گانشان با نظر به محبوبشان، روشنی گرفته و آرامششان با دریافت خواش و رسیدن به آرزو، استقرار یافته و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده، إلهی مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ! وَمَا أَخْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ! وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ! وَمَا أَغْدَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ، فَأَعْدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَحْصَى عَارِفِكَ، وَأَصْلَحِ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقِ طَائِعِيكَ، وَأَخْلَصِ عِبَادِكَ، يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا، چه لذت بخش است در دل‌ها خاطرات الهام گرفته از یادت و چقدر شیرین است پویش به سوی تو با مرکب اندیشه‌ها در راه‌های غیب و طعم عشقت چه خوش و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردن پناه ده و از خاص‌ترین عارفان و شایسته‌ترین بندگان و راست‌گوترین فرمان‌بران و خالص‌ترین پرستندگان قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای بخشنده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثالثة عشرة: مناجاة الذاكرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
إِلٰهُهُ لَوْكَالْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَتَزَهَّدْتَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ عَلَيَّ أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي
أَبِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النُّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ
ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَلَسِنَتَنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ. خدایا، اگر پذیرش فرمانت بر
من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتمت از اینکه ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را به اندازه
کاستی من است نه برازنده کمال تو، شأن و اندازه من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو
قرار گیرم؟ از بزرگ ترین نعمت ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست و اجازه ات به ماست
که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گویم، إِلٰهُهُ فَالْهَمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَاءِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،
وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَأَنَسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ، وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ وَالسَّعْيِ
الْمَرْضِيِّ، وَجَازَنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ. خدایا پس ذکر ت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و
روز و پیدا و پنهان و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس فرما و به عمل پاکیزه و
کوشش پسندیده بکار گیر و به میزان کامل پادشمان ده، إِلٰهُهُ بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ،
وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ؛ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا
عِنْدَ رُؤْيَاكَ، أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ، وَالْمَدْعُودُ

بِكُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعْظَمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ
أَنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ. خدایا دل‌های عاشق، شیفته تو
هستند و خردهای جدای از هم، بر معرفتت گرد آمده‌اند؛ بدین خاطر دل‌ها آرام نگیرند جز به یاد
تو و جان‌ها جز به هنگام مشاهدات راحتی نیابند، تو تنزیه‌شده‌ای در هر جا و پرستیده گشته‌ای در
هر گاه و در همواره روزگار بوده‌ای و به هر زبان خوانده شده‌ای و در هر دلی بزرگداشت شده‌ای
و از هر لذتی به جز ذکر تو و از هر آسایشی جز همدمی با تو و از هر شادمانی به غیر قرب تو و از
هر شغلی جز طاعت تو پوزش می‌جویم، إلهی أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحْوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾،
فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَذَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا
أَمَرْتَنَا، فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا تو گفتی و گفتارت حق
است که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح
گویید» و تو گفتی و گفتارت حق است: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» ما را به یاد کردند فرمان
دادی و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزّت و کرامت بخشیدن به ما، ما را یاد کنی،
اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می‌کنیم، پس تو نیز به وعدهات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان و
ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الرابعة عشرة: مناجاة المعتصمين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛
الْأُمِّ الْيَاسْرِ، وَيَا مَعَاذَ اللَّائِدِينَ، وَيَا مَنْجِيَّ الْهَالِكِينَ، وَيَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ
الْمَسَاكِينَ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا كَنْزَ الْمُفْتَقرِينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُكَسِّرِينَ، وَيَا مَأْوَى الْمُتَقَطِّعِينَ،
وَيَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُعِثَّ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا حِصْنَ الْلَّاجِينَ، إِنْ لَمْ أَغْذُ
بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟ وَإِنْ لَمْ أَلْذُ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ خدایا، ای پشتیبان پناه جویان و ای پناه
پناهندگان و ای رهایی بخش هلاک شدگان و ای نگهدار بینوایان و ای مهرورز بی چیزان و ای
اجابت کننده درماندگان و ای گنجینه تهیدستان و ای جبران کننده شکست خوردگان و ای
جایگاه آوارگان و ای یاور ناتوان شمردگان و ای پناه دهنده ترسیدگان و ای غمگسار غمزدگان و
ای دژ پناهندگان، اگر به عزّت پناه نیاورم پس به که پناه برم و اگر به قدرت پناهنده نشوم، به که
پناهنده شوم؟ گناهان و ادارم ساخته که به دامن گذشت چنگ زنم و خطاها محتاجم کرده که از
تو خواهم، درهای چشم پوشی ات را بر من بگشایی؛ وَقَدْ أَجَّاتِنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيَالِ
عَفْوِكَ، وَأَخَوَجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ؛ وَدَعَتْنِي الْإِسَاءَةُ إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ،
وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ،

وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ. گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت چنگ زنم و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم، درهای چشم پوشی ات را بر من بگشایی؛ و بدی ها مرا فراخوانده تا به آستان عزّت بار اندازم و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زنم، کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد و آن که به عزّت پناهنده شده، شایسته نیست رها گردد یا وا گذاشته شود، اِلٰهِي فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ، وَلَا تُعْرِنا مِنْ رِعَايَتِكَ، وَذُدْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَلَكَ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ، وَتُجَنِّبَنَا مِنَ الْآفَاتِ، وَتُكِنَّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ، وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ، وَأَنْ تُغَشِّيَ وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ، وَأَنْ تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا ما را از حمایت محروم مکن و از پوشش رعایت برهنه مساز و از پرتگاه های هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه توجه تو و در حمایت تو به سر می بریم و از تو بیم، از تو می خواهم به حق خاصان از فرشتگان و شایستگان از بندگانت که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکت ها برهاند و از آفات برکنار دارد و از بلاهای سخت نگهداری کند و هم اینکه آرامش خود را بر ما نازل کنی و چهره های ما را به انوار محبت پر فروغ گردانی و ما را در پناهگاه محکمت پناه دهی و در کناره های نگهداری خویش بگنجانی، به حق مهر و رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الخامسة عشرة: مناجاة الزاهدین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِه نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛ اِلٰهِي أَسْكَنْتَنَا دَاراً حَفَرَتْ لَنَا حُفْرَ مَكْرِهَا، وَعَلَقَتْنا بِأَيْدِي الْمَنَا فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا، فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدْعِهَا، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْأَعْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَإِنَّهَا الْمُهِلِكَةُ طُلَّابَهَا، الْمُتْلِفَةُ خُلَّالَهَا، الْمُحْشَوَةُ بِالْآفَاتِ، الْمُشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ. خدایا، ما را در خانه ای ساکن نموده ای که گودال های

فرییش را برای ما آماده ساخته و در شبکه‌های خیانتش به دست‌های مرگ آویخته، از دام‌های فرییش به تو پناه می‌آوریم و چنگ می‌زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته‌اش به عنایت تو که این دنیا خواهند گانش را هلاک می‌سازد و واردینش را نابود می‌کند، آکنده به آفت‌هاست، انباشته از نکبت‌هاست، **إِلٰهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا، وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَأَنْزِعْ عَنَّا جَلَابِيْبَ مُخَالَفَتِكَ، وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ؛ وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَأَجْمِلْ صِلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَاعْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ، وَأَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَأَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْكَ، وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،** خدایا ما را به دنیا بی‌رغبت کن و به توفیق و عصمت ما را از آن سلامت بدار و جامه‌های مخالفت را از هستی مان برکن و با حسن کفایت امور ما را سرپرستی فرما؛ و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده‌ات کامل گردان و از چشمه‌سار مواهب عطای ما را نیکو گردان و در سرزمین دل‌های ما درختان محبت را بکار و انوار معرفت را بر ما کامل کن و شیرینی گذشت و لذت آمرزش را به ما بچشان و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن‌گونه که درباره نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکو کردارت انجام دادی، به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان.